

بسم الله الرحمن الرحيم

دروس فی علم الاصول

لشهاد الصدر

الحلقة الثالثة

درس 63

استاد: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدی

آموزشیار: آقای شم آبادی

## مقدمه

در درس قبل خلط مرحوم میرزای نائینی (ره) بین ظهور و حجیت بررسی و بیان شد که ایشان عدم قرینه منفصله را که در حجیت ظهور نقش دارد، در شکل‌گیری ظهور تصدیقی ثانی لازم دانسته‌اند. در این درس، شهید صدر(ره) در صدد بیان علت این مطلب هستند که چرا عدم قرینه منفصله، مقوم ظهور تصدیقی ثانی نیست. برای بیان این مطلب، ماهیت ظهور تصدیقی ثانی را روشن خواهند کرد و بیان خواهند داشت که این ظهور، زائیده اصالة التطابق بین دلالات ثلاث است.

## متن درس

لأن هذا الظهور منشؤه ظهور حال المتكلم في التطابق بين المدلول التصوري لكلامه، و المدلول التصديقي، و التطابق بين المدلول التصديقي الأول، و المدلول التصديقي الثاني. و المنظور في هذين التطابقين شخص الكلام بكل ما يتضمنه من خصوصيات، فإذا اكتمل شخص الكلام، و تحدد مدلوله التصوري و المعنى المستعمل فيه، تنجز ظهور حال المتكلم في ان ما قاله، و ما استعمل فيه اللفظ هو المراد جداً و مجيء القرينة المنفصلة تكذيب لهذا الظهور الحالي لا انه يعنى نفيه موضوعاً، و لهذا كان الاعتماد على القرينة المنفصلة خلاف الأصل العقلائي لأن ذلك على خلاف الظهور الحالي.

## یادآوری

در درس قبل گفته شد که مرحوم میرزای نائینی (ره) بین شکل گیری ظهور و حجیت - و به تعبیری بین موضوع و حکم - خلط کرده‌اند و عدم قرینه منفصله را که مقوم حکم و حجیت است به عنوان مقوم موضوع و ظهور تصدیقی ثانی قرار داده‌اند.

در این درس، مرحوم شهید صدر (ره) علت این مطلب را بیان می‌کند که چرا عدم قرینه منفصله ، مقوم ظهور تصدیقی ثانی نیست؟ در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که با احراز عدم قرینه متصل له، این ظهور شکل می‌گیرد و اگر در بعد قرینه منفصله‌ای بیان شود حکم (حجیت ظهور) را زائل می‌کند و با خود ظهور، هیچ تنافی نخواهد داشت.

برای روشن شدن بحث، ابتدا باید ماهیت و حقیقت ظهور تصدیقی را بشناسیم تا بعد قضاوت کنیم که آیا سخن مرحوم میرزای نائینی (ره) درست است یا سخن شهید صدر (ره)؟

### ماهیت و حقیقت ظهور تصدیقی ثانی

ظهور تصدیقی ثانی، زائیده اصالة التطابق بین دلالات سه گانه است. الصالة التطابق به این معنی است که در نزد عقلا بین دلالات سه گانه (ظهور تصویری، ظهور تصدیقی اول و ظهور تصدیقی ثانی) تطابق و هماهنگی وجود دارد. این تطابق و هماهنگی، ظهور تصدیقی ثانی را می‌سازد. به عبارت دیگر منشأ ظهور تصدیقی ثانی، نوعی هماهنگی است که عقلا بین دلالات سه گانه قائل هستند.

### تطابق ظهور تصویری و ظهور تصدیقی اولی

بند اول اصالة التطابقی که بیان شد، اصالت تطابق مذکور، تطابق و هماهنگی بین ظهور تصویری و ظهور تصدیقی اولی بود؛ یعنی در نظر عقلا ظاهر حال متکلم آن است که می‌خواهد کلام را در همان معنای استعمال کند که در ذهن شنونده تصور می‌شود؛ به شرط اینکه قرینه متصله‌ای بر خلاف آن نیابد. مثال: وقتی متکلم می‌گوید: «رأیت اسداً» مفاهیمی که از این جمله در ذهن تداعی می‌شود «دیدن حیوان مفترس» است. اینجا است که عقلا می‌گویند: چون از این جمله متکلم، مفهوم «دیدن حیوان مفترس» در ذهن تصور می‌شود، پس متکلم می‌خواهد این جمله را در همین معنی استعمال کند و مراد استعمالی او همین معنی است؛ مگر اینکه قرینه‌ای بر خلاف این مطلب بیاورد و فرض بر این است که در این جمله ، چنین قرینه‌ای نیابده است.

### تطابق بین ظهور تصدیقی اولی و ظهور تصدیقی ثانی

بند دوم اصالة التطابق بین دلالات ثلاث، بیان می‌کند که ظاهر حال متکلم این است که هر معنایی که لفظ را در آن استعمال کرده است همان معنی، مراد جدی او نیز می‌باشد. شرط این تطابق این است که متکلم

قرینه متصله ای بر خلاف آن نیاورد؛ یعنی قرینه متصله‌ای نیاورد تا بیانگر آن باشد که مراد استعمال ی او غیر از مراد جدی او است.

**مثال:** در جمله «رأیت أسداً» تطابق بین ظهور تصدیقی اولی با ظهور تصدیقی ثانی به این معنی است که چون متکلم، این جمله را در «دیدن حیوان مفترس» استعمال کرده بود، پس مراد جدی او همین است که از دیدن حیوان مفترس خبر دهد.

تا اینجا روشن شد که اصالة التطابق که یک اصل عقلانی است - بیان می‌کند: اگر قرینه متصله‌ای بر خلاف تطابق نباشد، معنای متصور، همان مراد استعمالی و مراد استعمالی، همان مراد جدی است و این سه مرحله با یکدیگر هماهنگ و متطابق هستند.

در این قسمت از کلام، برای روشن‌تر شدن بحث، نقش قرینه منفصله را در هر یک از مراحل ظهور کلام و حجیت آن بررسی می‌کنیم.

Sco1: 8: 01

### نقش قرینه منفصله در مراد استعمالی

به محض اینکه کلام با مجموعه قرائن متصله به پایان رسیده و منعقد شد؛ بنا بر اصالة التطابق ، به تبع مدلول بقصوری که از کلام در ذهن ایجاد می‌شود، مدلول استعمالی مولی - که همان ظهور تصدیقی اولی است - آشکار می‌شود.

ملاحظه می‌کنید که تا اینجا، طبق فرض، قرینه متصله وجود نداشته و قرینه منفصله نیز هیچ نقشی ندارد ؛ یعنی همانطور که خود مرحوم نائینی (ره) قائل هستند در شکل‌گیری مراد استعمالی ، عدم قرینه منفصله معتبر نیست؛ آمدن یا نیامدن قرینه منفصله به اراده استعمالی متکلم لطمه نمی‌زند.

### نقش قرینه منفصله در مراد جدی

به محض اینکه مراد استعمالی متکلم به دست آمد طبق اصالة التطابق ، بدون اینکه نیاز به احراز عدم قرینه منفصله داشته باشیم، مراد جدی متکلم آشکار می‌شود؛ مگر اینکه قرینه متصله ای این تطابق بین مراد استعمالی و مراد جدی را به هم بزند. پس در این مرحله نیز عدم قرینه منفصله نیاز به احراز ندارد.

### نقش قرینه منفصله در حجیت ظهور تصدیقی ثانی

وقتی ظهور تصدیقی ثانی شکل گرفت و مراد جدی متکلم به دست آمد، همین که ما علم به قرینه منفصله نداشته باشیم - هر چند که احتمال آن را بدهیم - بلافاصله (حکم) حجیت بر این ظهور (موضوع حکم حجیت است) مترتب می‌شود؛ چرا که با آمدن موضوع باید حکم مترتب شود.

حال اگر متکلم بعداً قرینه منفصله‌ای بیاورد و بیان کند مراد او از «اسد» حیوان مفترس نیست بلکه مرد شجاع است، با آمدن این قرینه منفصله، ظهور تصدیقی که در قبل شکل گرفت از بین نمی‌رود؛ زیرا آن ظهور شکل گرفت و منعقد شد، و چیزی که محقق شده دیگر از بین نمی‌رود. تنها چیزی که باقی می‌ماند

این است که حجیت و جواز عمل به ظاهری که دیروز به عنوان ظهور تصدیقی شکل گرفته بود، با آمدن این قرینه منفصله از بین می‌رود و ما دیگر مجاز نیستیم طبق ظاهر کلام او عمل کنیم.

## Sco 2 : 17: 17

### قرینۀ منفصله و ظهور حال متکلم در تطابق بین ظهورات

آمدن قرینه منفصله، تکذیب ظهور حالی است که بیانگر تطابق بین مراد استعمالی و مراد جدی بود؛ چرا که حال متکلمی که قرینه متصله بر عدم تطابق بین دلالات کلامش نیاورده بیانگر آن است که این دلالات با هم مطابق و هماهنگ هستند و شما می‌توانید از ظهور تصویری، به مراد استعمالی و از مراد استعمالی، به مراد جدی دست پیدا کنید. اما اگر متکلم فردا قرینه منفصله‌ای - که بیانگر عدم تطابق بین دلالات ثلاث است - بیاورد، این قرینه منفصله، حال دیروز او را تکذیب می‌کند و بیان می‌کند که آنچه از حال دیروز متکلم برداشت می‌شد دروغ و اشتباه بوده است و بین دلالات ثلاث کلام متکلم، تطابق و هماهنگی وجود نداشته است.

**مثال:** اگر فرض کنیم کسی در مقابل درخواست شما سکوت کند و شما از حال او چنین برداشت کنید که به درخواست شما راضی است؛ ولی فردا به شما بگوید: من نسبت به درخواست دیروز شما راضی نیستم. این سخن او، تکذیب حال او در روز قبل است؛ یعنی نشان می‌دهد که حال دیروز او به ما دروغ و اشتباه گفته است؛ چرا که ما از حال دیروز او برداشت رضایت کرده بودیم.

پس در حقیقت این قرینه منفصله یک نوع تکذیب و تخطئه آن حالتی است که ما از ظاهر حال متکلم در روز قبل برداشت کردیم، به همین خاطر آن را مورد اشکال قرار داده و حجیت را از آن سلب می‌کنند؛ ولی ظهور حال متکلم همچنان باقی مانده و از بین نمی‌رود.

در اینجا دو مثال بیان می‌کنیم تا روشن شود که چگونه ظهور حال قبلی همچنان باقی مانده و فقط حجیت خود را از دست می‌دهد.

**مثال 1)** در همان مثال قبل که گفته شد متکلم در برابر درخواست شما سکوت می‌کند، و این حالت، ظهور در رضا دارد، هر چند فردا این ظهور حال را تکذیب کند ولی این تکذیب، ظهور حال او در روز گذشته را از بین نمی‌برد. به همین خاطر بعدها به رخس می‌کشیم که تو ظهور حالی برای خودت درست کردی که حکایت از رضایت داشت ولی فردا اعلام نارضایتی کردی.

**مثال 2:** فرض کنید از شخصی تقاضا می‌کنید که خانه او را تصرف کنید و او در مقابل خواسته شما سکوتی همراه تبسم داشته باشد. در اینجا ظاهر حال او نشان می‌دهد که نسبت به این تصرف، راضی است و شما هم در منزل ساکن می‌شوید. اگر او روز بعد بگوید: آن سکوت و لبخند دیروز من به معنای رضایتم نبود؛ اعلام عدم رضایت او در روز بعد، ظهور حالی را که در روز گذشته داشت را از بین نمی‌برد؛ چرا که او

واقعاً حالتی داشت که دالّ بر رضایت بود. منتها آن ظهور حال، دی‌گر امروز برقرار و باقی نیست و آن رضایت مستفاد از حالِ دیروزِ او حجت نبوده و شما دیگر نمی‌توانید در خانه او سکوت کنید.

### خلاصه کلام

خلاصه بحث این شد که وقتی سخن متکلم با تمام قرائن متصله اش به پایان رسیده و کلام منعقد می‌شود، ظهور تصدیقی ثانی شکل می‌گیرد و آمدن قرینه منفصله این ظهور را زائل نمی‌کند بلکه فقط آن را از حجیت می‌اندازد. به همین خاطر است که عقلاً متکلمی را که به قرینه منفصله اعتماد کرده و قرینه منفصله به کار می‌برد به رفتار غیر عقلانی متهم می‌کنند و معتقدند که رفتار شما با سیره و اصل عقلانی سازگار نیست؛ چرا که شما دیروز حالتی از خود نشان دادید که با قرینه منفصله ای که امروز آورده اید سازگار نیست.

پس نظر محقق نائینی (ره) مبنی بر اینکه قرینه منفصله مانع انعقاد ظهور تصدیقی ثانی می‌گردد، درست نیست.

Sco3: 25:58

## چکیده

1. شهید صدر (ره) قائل است که عدم قرینه منفصله، مقوم ظهور تصدیقی تلقی نیست بلکه وجود قرینه منفصله حجیت را از این ظهور نفی می کند. ولی مرحوم میرزای نائینی (ره) قائل است که برای شکل گیری ظهور تصدیقی ثانی، لازم است که عدم قرینه منفصله احراز شود.
2. ماهیت ظهور تصدیقی ثانی این است که این ظهور، زائیده اصالة التطابق بین دلالت سه گانه است، به این بیان که:  
معنایی که از شنیدن یک لفظ به ذهن خطور می کند، ظهور تصویری کلام است.  
در نظر عقلا ظاهر حال متکلم، آن است که ظهور تصدیقی اول کلام، مطابق ظهور تصویری آن است؛ یعنی هر معنایی که هنگام شنیدن لفظ به ذهن می آید همان معنی، مراد استعمالی متکلم است.  
همچنین در نظر عقلا ظهور تصدیقی ثانی، مطابق ظهور تصدیقی اولی است؛ یعنی مراد جدی متکلم، مطابق مراد استعمالی او است.
3. وجود قرینه منفصله و عدم آن در مراد استعمالی متکلم هیچ نقشی ندارد. این مطلب نیز مورد قبول مرحوم نائینی (ره) است.
4. وقتی مراد استعمالی متکلم روشن شود، بدون نیاز به احراز عدم قرینه منفصله، مراد جدی متکلم (ظهور تصدیقی ثانی) نیز آشکار می شود.
5. وقتی مراد جدی متکلم دانسته شود، اگر ما علم به قرینه منفصله نداشته باشیم؛ این مراد جدی حجت خواهد بود.
6. وجود قرینه منفصله باعث می شود که مراد جدی متکلم از حجیت ساقط شود، بر خلاف نظر مرحوم نائینی (ره) که قائل است وجود قرینه منفصله مانع از انعقاد مراد جدی متکلم می شود.
7. ظهور حال متکلم - اگر قرینه متصله ای بر خلافش نیامده باشد - بیانگر آن است که بین ظهورات سه گانه کلامش هماهنگی وجود دارد.
8. اگر متکلم، قرینه منفصله ای را که بیانگر عدم تطابق مراد جدی با مراد استعمالی است بیاورد این قرینه بیان می کند که ظاهر حالی که قبلاً از کلام متکلم برداشت شده بود دروغ و اشتباه است.
9. نکته مهم در بیان شهید صدر (ره) این است که قرینه منفصله فقط حجیت را از ظهور تصدیقی ثانی سلب می کند و گر نه ظهور حال متکلم (که قبلاً شکل گرفته بود) همچنان باقی است؛ چون چیزی که محقق شد دیگر از بین نمی رود.